

«وطن امروز» گزارش می‌دهد

ایران ۳ پیشنهاد اقتصادی بانک مشترک، بیمه صادراتی و کنسر سیوم انرژی را روی میز شانگهای گذاشت

سپر شرقی ایران



گروه اقتصادی: این روزها در بیشکک چند تصویر همزمان کنار هم قرار گرفته است؛ تصویری از رئیس‌جمهور ایران در کنار سران چین، روسیه، هند و کشورهای آسیای مرکزی، تصویری از جنگی که همچنان بر اقتصاد غرب آسیا سایه انداخته و تصویری از اقتصاد جهانی که در میانه تحریم، رقابت قدرت‌های بزرگ و ناامنی مسیرهای تجاری، آرام‌آرام شکل تازه‌ای پیدا می‌کند.

رئیس‌جمهور ایران، مسعود پزشکیان صبح روز دوشنبه هفته جاری برای شرکت در بیست‌وششمین اجلاس سران سازمان همکاری شانگهای در سفری ۲ روزه به بیشکک قرقیزستان رفت. اما این نشست از حیث زمان برگزاری با نشست‌های قبلی این سازمان تفاوتی جدی دارد؛ قریب به ۶ ماه است منطقه غرب آسیا به واسطه تجاوز آمریکایی- صهیونی متلاطم است، روسیه همچنان در جنگ اوکراین گرفتار است و تنگه هرمز و امنیت انرژی جهان نیز به یکی از حساس‌ترین موضوعات اقتصاد بین‌المللی تبدیل شده است. در همین روزها، نفت برنت دوباره به محدوده بالای ۹۰ دلار رسیده و بازارهای انرژی از احتمال اختلال بیشتر در عرضه خاورمیانه نگران‌اند. در سوی دیگر، جنگ اوکراین همچنان زیرساخت‌های انرژی و حمل‌ونقل روسیه و اوکراین را هدف قرار می‌دهد. بنابراین اجلاس بیشکک را نمی‌توان جدا از اقتصاد جنگی امروز جهان فهمید.

با همه این موارد اما پرسش اصلی این است: شانگهای در این روزهای دشوار چه فرصت‌های تازه‌ای را می‌تواند فراهم کند؟ واقعیت این است که عضویت در این سازمان به خودی خود تحریم‌ها را از میان نمی‌برد و پولی به اقتصادها تزریق نمی‌کند. ارزش واقعی آن زمانی آشکار می‌شود که کشورها بتوانند روابط سیاسی را به قرارداد، قرارداد را به تجارت، تجارت را به سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری را به زیرساخت تبدیل کنند.

■ اجلاس در سایه جنگ
مسعود پزشکیان در بیشکک تنها درباره سازمان همکاری شانگهای سخن نگفت. بخش مهمی از دیدارهای او به جنگ و آینده منطقه مربوط بود. ایشان در دیدار با نازندرا مودی، نخست‌وزیر هند، بر راه‌حل سیاسی و گفت‌وگو تأکید کرد و از هند خواست از ارتباطات خود با طرف‌های مختلف برای کاهش تنش استفاده کند. مودی نیز بر ضرورت تقویت تالان‌های صلح‌آمیز تأکید کرد. همچنین دو طرف درباره حمل‌ونقل دریایی، تحولات تنگه هرمز و همکاری در بندر چابهار گفت‌وگو کردند.

این بخش از مذاکرات اهمیت اقتصادی مستقیمی دارد. هند برای ایران کشوری است که در صورت ثبات مسیرهای دریایی، می‌تواند دروازه ایران به بخشی از بازارهای جنوب و شرق آسیا باشد. چابهار نیز برای هند مسیر دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی است. به همین دلیل حتی در شرایط تحریم، هند در پی یافتن راهی پایدار برای ادامه حضور خود در این بندر است.

همچنین دیدار پزشکیان با شهپاز شریف، نخست‌وزیر پاکستان و گفت‌وگو با الهام عیاف رئیس‌جمهور آذربایجان، ام‌امعلی رحمان رئیس‌جمهور تاجیکستان و صدیر جبارف رئیس‌جمهور قرقیزستان نیز اهمیت دیگری داشت. مجموعه این دیدارها نشان می‌دهد ایران در حال آزمون شبکه‌ای از روابط منطقه‌ای است که از خلیج فارس تا آسیای مرکزی کشیده می‌شود.

■ شانگهای یک بازار آماده نیست
گاهی درباره سازمان همکاری شانگهای با اعداد بزرگ نظیر حدود ۴۰ درصد جمعیت جهان و نزدیک به یک‌چهارم اقتصاد جهان سخن گفته می‌شود. این اعداد مهم هستند اما نباید از آنها نتیجه‌ای اشتباه گرفت. شانگهای «بازار مشترک» شبیه اتحادیه اروپا نیست. اعضای آن تعرفه واحد، پول واحد یا بانک مرکزی مشترک ندارند و تصمیم‌های اقتصادی نیز الزاما به معنای تعهد دولت‌ها برای خرید کالا یا سرمایه‌گذاری در کشور دیگری نیست.

پس مزیت ایران کجاست؟ مزیت ما در شبکه است. چین، روسیه، هند، پاکستان، ایران، بلاروس و کشورهای آسیای مرکزی در یک مجموعه همکاری قرار گرفته‌اند؛ کشورهایی که هر کدام بازار، انرژی، مسیر حمل‌ونقل یا ظرفیت صنعتی خاص خود را دارند. برای اقتصادی که تحت فشار تحریم قرار دارد، داشتن چنین شبکه‌ای ارزشمند است، زیرا امکان تنوع بخشیدن به مسیرهای تجارت و کاهش آسیب‌پذیری در برابر بسته شدن یک مسیر را افزایش می‌دهد.

حتی مهم‌تر از آن بحث مالی است. وزیران دارایی و رؤسای بانک‌های مرکزی اعضای شانگهای در بیشکک درباره گسترش استفاده از ارزهای ملی در مبادلات، دیجیتالی شدن امور مالی و سازوکارهای همکاری مالی گفت‌وگو کردند. همچنین رایزنی‌ها برای تأسیس بانک توسعه سازمان ادامه یافت. البته این هنوز یک نظام مالی مستقل و کامل نیست اما جهت حرکت روشن است که اعضای شانگهای در پی یافتن راه‌هایی برای کاهش هزینه و آسیب‌پذیری مبادلات خود در برابر نظام مالی جهانی هستند. برای ایران این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد.

■ قرقیزستان و بندرعباس

اتفاق شاید مهم‌ترین بخش اقتصادی سفر مسعود پزشکیان در دیدار با قدرت‌های بزرگ رخ نداد، بلکه در گفت‌وگو با رئیس‌جمهور قرقیزستان رخ داد. ایران و قرقیزستان در سه‌سال اخیر شاهد رشد بیش از ۳۰ درصدی تجارت بوده‌اند اما حجم تجارت هنوز با ظرفیت دو کشور فاصله دارد. پزشکیان پیشنهاد ایجاد یک پایلشگاه مشترک در قرقیزستان را مثبت ارزیابی کرد؛ طرحی که بر اساس آن نفت خام می‌تواند از سوی ایران تأمین شود و فرآورده‌های تولیدی میان دو طرف تقسیم شود.

پیشنهاد دیگر، ایجاد مرکز لجستیکی قرقیزستان در بندرعباس بود. این ایده از نظر اقتصادی بسیار مهم‌تر از ظاهر ساده آن است. قرقیزستان کشوری محصور در خشکی است اما ایران به آب‌های آزاد دسترسی دارد. اگر کالاهای قرقیزستان بتوانند از مسیر ایران به خلیج فارس و سپس به بازارهای هند و شرق آسیا برسند، رابطه دو کشور از یک تجارت دوجانبه محدود به یک رابطه ترانزیتی تبدیل می‌شود. ایران در این میان پول خود را از عبور کالا، خدمات بندری، انبارداری، حمل‌ونقل و خدمات فنی به دست می‌آورد. این درآمدها برخلاف درآمد نفت، می‌توانند به شکل پایدارتر و گسترده‌تر میان بخش‌های مختلف اقتصاد توزیع شوند.

البته این اتفاق با یک تفاهم‌نامه روی کاغذ رخ نمی‌دهد؛ خط ریلی، جاده مناسب، گمرک سریع، انبار استاندارد، ناوگان حمل‌ونقل و مقررات روشن لازم است. تاجر قرقیزستانی اگر برای عبور کالا از ایران چند روز بیشتر معطل شود یا هزینه مسیر برایش بالا باشد، مسیر رقیب را انتخاب خواهد کرد.

■ اوراسیا از کاغذ به جاده

یکی از مهم‌ترین اتفاقات سه‌سال اخیر برای ایران، اجرایی شدن موافقت‌نامه تجارت آزاد با اتحادیه اقتصادی اوراسیاست که از سال گذشته به اجرا درآمد. ایران در این چارچوب با روسیه، قزاقستان، بلاروس، ارمنستان و قرقیزستان وارد رژیم تجارت آزاد شده است. این موضوع در کنار عضویت ایران در شانگهای اهمیت پیدا می‌کند. قرقیزستان دروازه بالقوه‌ای برای حضور ایران در آسیای مرکزی است. روسیه بازار بزرگی در شمال است و مسیرهای دریایی جنوب می‌توانند ایران را به هند و سایر بازارهای آسیایی وصل کنند.

اگر این حلقه‌ها به هم متصل شوند، ایران از کشوری که صرفاً کالا صادر می‌کند به کشوری تبدیل می‌شود که در مسیر گردش کالا نیز درآمد کسب می‌کند. کریدور بین‌المللی شمال – جنوب در همین نقطه اهمیت پیدا می‌کند. هند، ایران و روسیه سه ضلع اصلی این مسیرند. جنگ اوکراین و فشارهای غرب بر روسیه، انگیزه مسکو برای توسعه مسیرهای شرقی و جنوبی را بیشتر کرده است. همزمان هند نیز به دنبال مسیرهایی است که دسترسی آن به آسیای مرکزی و روسیه را متنوع کند.

این‌همان جایی است که جغرافیای ایران می‌تواند به سرمایه اقتصادی تبدیل شود. اما یک هشدار ضروری وجود

دارد و آن اینکه رقیبان ایران نیز بیکار ننشسته‌اند. ترکیه، کشورهای قفقاز و مسیرهای دریایی رقیب نیز برای جذب بار آسیای مرکزی تلاش می‌کنند و اگر ایران کند، پرهزینه و گرفتار مقررات پیچیده باشد، مزیت جغرافیایی به‌تنهایی کافی نخواهد بود.

■ چین شریک مهم است نه ناجی

در تحلیل روابط ایران و چین باید از دو افراط فاصله گرفت: یک نگاه، چین را ناجی اقتصاد ایران می‌بیند و نگاه دیگر، هر گونه همکاری را نوعی وابستگی خطرناک تلقی می‌کند. واقعیت میان این دو قرار دارد. چین بزرگ‌ترین شریک تجاری و مهم‌ترین خریدار نفت ایران است. برآوردهای منتشرشده از سوی کمیسیون بررسی روابط اقتصادی و امنیتی آمریکا و چین نشان می‌دهد چین سال ۲۰۲۵ نزدیک به ۹۰ درصد نفت صادراتی ایران را خریداری کرده است. همین منبع برآورد کرده تجارت دو کشور با احتساب صادرات نفت ثبت‌نشده، حدود ۴۱ میلیارد دلار بوده است.

اما همین آمار یک ضعف مهم را هم نشان می‌دهد؛ وابستگی شدید ایران به یک خریدار، قدرت چانه‌زنی را محدود می‌کند. حتی در ماه‌های اخیر، جنگ و اختلال در تنگه هرمز به تجارت ایران و چین آسیب زده است. آمار گمرک چین نشان می‌دهد واردات این کشور از ایران در ژوئیه ۲۰۲۶ نسبت به سال قبل کاهش شدیدی داشته است. «نگاه به شرق» اگر به معنای وابستگی به یک کشور باشد نسخه کاملی برای اقتصاد ایران نیست. نگاه به شرق باید به معنای تنوع‌بخشی باشد. یعنی چین در کنار هند، روسیه، آسیای مرکزی، پاکستان، همسایگان خلیج فارس و هر بازار دیگری که امکان همکاری سالم و متقابل وجود دارد.

■ پیشنهاد ایران برای شانگهای

مسعود پزشکیان در اجلاس شانگهای تلاش کرد بحث را از سطح کلیات بالاتر ببرد و ۳ پیشنهاد اقتصادی مشخص مطرح کرد: تأسیس بانک سازمان همکاری شانگهای، ایجاد اتحادیه بیمه صادراتی و سرمایه‌گذاری و تشکیل کنسرسیوم انرژی سازمان. این پیشنهادها از این جهت مهم هستند که گره اصلی تجارت ایران را برجسته می‌کنند. بانک توسعه می‌تواند در آینده به تأمین مالی پروژه‌های مشترک کمک کند. اتحادیه بیمه صادراتی می‌تواند بخشی از ریسک تجارت و سرمایه‌گذاری را کاهش دهد. کنسرسیوم انرژی نیز در صورت طراحی درست می‌تواند تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی را به یکدیگر نزدیک کند.

البته نباید از این پیشنهادها انتظار فوری داشت. تأسیس یک نهاد مالی چندملیتی زمانبر است و موفقیت آن به سرمایه، اعتبار، مقررات روشن و توافق میان اعضا بستگی دارد. با این حال، مطرح کردن چنین ایده‌هایی نشان می‌دهد ایران می‌تواند از مصرف‌کننده تصمیم‌های دیگران به پیشنهاددهنده سازوکارهای اقتصادی ایجاد نظم جدید تبدیل شود.

■ هند و موضوع چابهار

دیدار پزشکیان و مودی شاید از نظر اقتصادی یکی از حساس‌ترین مذاکرات سفر بود. هند به چابهار نیاز دارد و ایران نیز به سرمایه، فناوری و بازار هند نیازمند است. این رابطه می‌تواند یک نمونه روشن از منافع متقابل باشد اما تحریم‌های آمریکا کار را دشوار کرده است. معافیت تحریمی آمریکا برای پروژه چابهار چند ماه پیش منقضی شد و هند اکنون در حال بررسی راهی برای ادامه حضور خود در این بندر است.

ایجاد دیپلماسی اقتصادی باید بسیار دقیق عمل کند. ایران باید به هند اطمینان دهد که چابهار یک پروژه اقتصادی بلندمدت است و در عین حال، برای کاهش ریسک‌های تحریمی و حقوقی آن راه‌حل‌های عملی پیدا کند. همچنین ایران باید توجه داشته باشد که در صورت عدم حضور هند، کشورهای جایگزین را برای تکمیل چابهار انتخاب و هر چه سریع‌تر ادامه پروژه را آغاز کند. در این میان چین یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها است.

چابهار اگر فعال شود، فقط بندر ایران نیست. حلقه‌ای از زنجیره‌ای است که هند را به افغانستان، آسیای مرکزی و روسیه نزدیک می‌کند. این ویژگی می‌تواند ارزش ژئوپلیتیک بندر را به ارزش اقتصادی تبدیل کند.

■ روسیه و درس جنگ اوکراین

شاید مهم‌ترین درس اقتصادی جنگ اوکراین این باشد که مسیرهای تجاری جهان را می‌توان با جنگ تغییر داد. روسیه در سال‌های اخیر زیر فشار تحریم‌های غرب بخش مهمی از تجارت خود را به سمت آسیا سوق داده است. در عین حال جنگ باعث افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، بیمه، انرژی و تأمین مالی شده است. تازه‌ترین برآوردهای روسیه نیز نشان می‌دهد تولید نفت این کشور در سال ۲۰۲۶ تحت تأثیر پیامدهای جنگ به پایین‌ترین سطح ۱۷ سال گذشته خواهد رسید.

این شرایط برای ایران می‌تواند هم تهدید و هم فرصت بسیار مهم باشد؛ تهدید از آن جهت که روسیه در برخی بازارهای انرژی و صادراتی رقیب ایران است و فرصت از آن جهت که هر چه مسیرهای روسیه به جنوب و شرق مهم‌تر شود، ارزش کریدورهای عبوری از ایران نیز افزایش می‌یابد. بنابراین ایران نباید صرفاً به فروش کالا به روسیه فکر کند، بلکه باید به فروش «مسیر» نیز بیندیشد. ریل، بندر، کامیون، انبار، بیمه، خدمات مالی و گمرک همه بخشی از این محصول هستند.

■ جنگ در تنگه هرمز و ارزش جغرافیا

تنگه هرمز شاید روشن‌ترین نمونه از تبدیل جغرافیا به اقتصاد باشد. در روزهای اخیر تشدید دوباره تنش میان ایران و آمریکا قیمت نفت را مجدداً بالا برده و نگرانی درباره امنیت عرضه جهانی را افزایش داده است. هند نیز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان نفت جهان، در ماه‌های گذشته برای جبران اختلال در عرضه خاورمیانه به روسیه و سایر

عرضه‌کنندگان روی آورده است.

سیاست اقتصادی عاقلانه باید همزمان دو هدف را دنبال کند: حفظ اهمیت ژئوپلیتیک ایران و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از بحران‌های ژئوپلیتیک. راه این هم متنوع کردن مسیرهای صادرات و واردات، تقویت بندار، توسعه ریل، افزایش ظرفیت ذخیره‌سازی و ایجاد مسیرهای زمینی و دریایی جایگزین است. اقتصادی که تنها یک در دارد، با بسته شدن همان یک در گرفتار می‌شود.

■ فرصت، نه معجزه

یکی از خطاهای رایج در بحث شانگهای، بزرگ‌نمایی ظرفیت‌های آن است. عضویت ایران در این سازمان به معنای رفع تحریم‌ها نیست. چین و هند منافع خودشان را دارند. روسیه نیز رقیب ایران در برخی بازارهای انرژی است. کشورهای آسیای مرکزی نیز انتخاب‌های دیگری دارند. حتی ایجاد بانک توسعه شانگهای هنوز در مرحله رایزنی است. از سوی دیگر برخی مشکلات اقتصاد ایران اصلاً خارجی نیست. اگر مجوز یک کارخانه ماه‌ها طول بکشد، اگر صادرکننده برای انتقال پول با مشکل روبه‌رو باشد، اگر نوسان نرخ ارز برنامه‌ریزی را دشوار کند، اگر گمرک زمان زیادی برای ترخیص کالا نیاز داشته باشد یا اگر سرمایه‌گذار خارجی نتواند از آینده اطمینان پیدا کند، عضویت در ۱۰ سازمان بین‌المللی هم مشکل را حل نمی‌کند. با این حال، شانگهای فرصت می‌دهد و استفاده از فرصت به تحولات داخلی نیاز دارد.

■ ۶ راهکار متناسب با شرایط فعلی

اگر قرار باشد نتیجه سفر بیشکک در اقتصاد ایران دیده شود، چند اقدام باید در دستور کار قرار گیرد: نخست، برای هر کشور عضو شانگهای فهرست مشخصی از کالاهای صادراتی و پروژه‌های سرمایه‌گذاری تهیه شود و مذاکرات از سطح وزارتخانه‌ها به سطح شرکت‌ها برسد. دوم، پروژه هر مرکز لجستیکی قرقیزستان در بندرعباس از ایده به طرح اجرایی تبدیل شود و زمان، هزینه و مسیر دقیق آن مشخص شود. سوم، کریدور شمال – جنوب با اولویت ریلی و گمرکی دنبال شود و برای آن شاخص‌های قابل اندازه‌گیری تعیین شود. چهارم، همکاری مالی با اعضای شانگهای به سمت استفاده عملی از ارزهای ملی، تها‌ت هدفمند و ابزارهای پرداخت قابل اتکا برود و صرفاً گفتن «دلارزدایی» کافی نیست. پنجم، پیشنهاد بانک توسعه، بیمه صادراتی و کنسرسیوم انرژی به پروژه‌های دقیق تبدیل شود. ششم، در روابط با چین اصل تنوع حفظ شود. چین باید شریک بزرگ ایران باشد اما اقتصاد ایران نباید به یک خریدار، یک مسیر یا یک شبکه مالی وابسته شود.

در نهایت، بخش خصوصی باید در مرکز این راهبرد قرار گیرد. اگر توافقات‌های ایران و چین، ایران و هند یا ایران و قرقیزستان در زندگی یک صادرکننده، کارخانه‌دار، کشاورز، شرکت حمل‌ونقل و سرمایه‌گذار دیده نشود، آن توافق هنوز به نتیجه اقتصادی نرسیده است.

■ آزمون بزرگ پس از اجلاس

شانگهای برای ایران می‌تواند یک سپر اقتصادی مهم باشد اما سپر زمانی ارزش دارد که پشت آن سازمان، برنامه و توان عملیاتی وجود داشته باشد.

ایران امروز در منطقه‌ای زندگی می‌کند که جنگ، تحریم، رقابت قدرت‌های بزرگ و تغییر مسیرهای تجارت جهانی همزمان در آن جریان دارد. جنگ اوکراین مسیرهای انرژی و تجارت روسیه را تغییر داده، جنگ ایران و آمریکا اهمیت هرمز را دوباره به رخ جهان کشیده و فشارهای تحریمی آمریکا تلاش دارد روابط اقتصادی تهران با شرکای آسیایی را پرهزینه کند. در این میان حضور ایران در بیشکک هم پیام مهمی صادر کرد: ایران در حال تلاش برای حفظ و گسترش ارتباطات خود در آسیاست.

اما پیام سیاسی باید به نتیجه اقتصادی تبدیل شود. قرقیزستان می‌تواند مسیر ایران به آسیای مرکزی را بازتر کند. چین یا هند می‌توانند شریک چابهار و کریدور شمال – جنوب باشند. روسیه می‌تواند بخشی از بازار شمال و مسیر ترانزیتی ایران را فعال کند. چین می‌تواند بازار بزرگ انرژی و کالاهای ایرانی و منبع مهمی برای فناوری و سرمایه باشد. پاکستان نیز در صورت ثبات روابط، می‌تواند حلقه دیگری از شبکه تجاری ایران در شرق باشد.

این قطعات اگر جدا بمانند، چند تفاهم‌نامه و چند عکس یادگاری خواهند بود اما اگر به یک نقشه اقتصادی واحد متصل شوند، می‌توانند بخشی از آسیب‌پذیری اقتصاد ایران را کاهش دهند.

مساله اصلی امروز ایران پیدا کردن یک «دوست اقتصادی» نیست، بلکه ساختن شبکه‌ای از منافع مشترک است که هیچ قدرتی نتواند به آسانی آن را از کار بیندازد. اجلاس بیشکک در این معنا یک پایان نیست، بلکه آغاز یک آزمون است که آیا ایران می‌تواند از جغرافیا، انرژی، بازار، نیروی انسانی و موقعیت خود در شانگهای درآمد واقعی بسازد؟

پاسخ این پرسش را در بندرعباس، چابهار، راه‌آهن، گمرک، کارخانه و حساب بانکی صادرکننده ایرانی خواهیم دید.

www.vatanemrooz.ir

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲